

بررسی نقوش تزئینی معماری ایرانی اسلامی با تکیه بر دوره ایلخانی

زهرا بریسم^۱

مسعود ولی عرب^۲

چکیده

در تمام دوره‌های تاریخی آرایش بناها اهمیت خاصی داشته است و تزئینات بناها علاوه بر اینکه به عنوان یکی از ابعاد هنر و معماری در طول تاریخ مطرح است، شکل معماری را رونق می‌بخشد و بخشی از ساخت بنا محسوب می‌شود. برای معماری دوران اسلامی متناسب با تغییرات سیاسی، اقتصادی و مذهبی نیز، سبک و شیوه خاصی وجود داشت و متناسب با همین تغییرات، تزئینات نیز دستخوش تحول می‌شد. نقوش تزئینی گویای احساسات معمار در تزئینات بنا بوده است که هر کدام معنای خاص خود را داشت و در هر دوره بسته به سلیقه معماران و تأثیراتی که پذیرفته‌اند رنگ‌های خاص و سبک‌های مختلف در اوج تزئینات بوده‌اند. در این پژوهش سعی شده است تصویری از نقوش تزئینی معماری اسلامی در ایران دوره مغول و ایلخانی ارائه شود و پرسش اساسی این است که شیوه تزئین به چه شکلی بوده و متأثر از چه ارکانی است؟ به نظر می‌رسد هنر این دوره در حقیقت تلفیقی از هنر دوره‌های تاریخ ایران بعد از اسلام و برخی نقوش هنر شرق دور است. شیوه اجرای این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده است که با گردآوری منابع و داده‌ها از کتابخانه‌ها و تحلیل مطالب گردآوری شده به نگارش و تدوین نهایی آن اقدام شده است.

واژه‌های کلیدی: معماری اسلامی. نقوش. تزئینات. ایلخانی.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز zahraberisam1989@gmail.cim

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خلیج فارس بوشهر M.valiarab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲



مقدمه

بناهای همه اعصار زندگانی بشر در سرزمین ایران با رنگ‌ها و نقوش تزیینی برجسته می‌درخشد. هنر معماری از بارزترین جلوه فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نمایشگر گویای فضای زیست آدمی است، این هنر در گذشته تابع اصول و ضوابط کمابیش معین و شناخته شده‌ای بود و پیوند استواری و ناگسستنی با فرهنگ جامعه و الگوهای رفتاری است، به همین دلیل معماری هر دوره انعکاس از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شود. معماری در دوران اسلامی در طول هزار و چهارصد سال دچار تحولات بسیار شده است در هر دوره متناسب با تغییرات سیاسی، اقتصادی، مذهبی و موقعیت جغرافیایی سبک و شیوه خاصی برای معماری وجود داشت و منطقی است متناسب با همین تغییرات تزیینات هم دستخوش تحول شوند.

در این پژوهش سعی شده است که معرفی مختصری از نقوش تزیینی داشته باشیم و به ویژگی‌های کلی این نقوش در دوره مغول پرداخته شود. تأثیرات دوره‌های تاریخ ایران بعد از اسلام و در واقع هنر شرق در این نقوش بررسی نموده است و به معماری و نقوش چند بنا در این دوره از طرق مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته شده است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، دستیابی به اهداف موردنظر صورت گرفته است.

از منابع موجود در این زمینه می‌توان به کتاب ویلبر تحت عنوان «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی» اشاره کرد که در این کتاب ابتدا طرز معماری و ساختار اولیه بناها ارائه داده شده است ویلبر به همراه توضیحات بسیار مفیدش به ذکر نمونه‌های بناها در جای جای قلمرو ایلخانان در ایران می‌پردازد و این خاصیت را با ارائه تصاویر بسیار زیبا از بناها و تزیینات آن‌ها تکمیل می‌کند. منبع دیگری که می‌توان از آن نام برد اثر دومؤلف به نام‌های شراتو وارنست گروه است با عنوان هنر ایلخانی و تیموری ترجمه یعقوب آژند. این کتاب به طور کلی هنر ایلخانی را بررسی می‌کند و در خلال توضیحات بخشی را به معماری دوره ایلخانان اختصاص داده است. اثر دیگر، کتاب پوپ تحت عنوان معماری در ایران از ابتدای دوره باستان تا دوران معاصر که بخشی را به شیوه معماری دوران ایلخانی اختصاص داده شده است.

متأسفانه باید گفت درخصوص شیوه معماری و تزیین بنا در منابع دست اول دوران حکومت مغولان و ایلخانان در ایران مطالب مورد توجه و درخوری ذکر نشده است شاید این امر به این دلیل بوده است که ثبت کنندگان وقایع بیشتر به تاریخ سیاسی و البته گاهی اجتماعی توجه داشته‌اند. منابعی که بتوان از آنها در این زمینه استفاده کرد همانطور که اشاره شد در دوران‌های بعد و اکثراً معاصر نگاشته شده‌اند و البته اغلب در زمینه معماری و فرهنگ هنر بوده‌اند.



معرفی مختصری از نقوش تزئینی

در معماری ایران علاقه به تزئین سطوح با ساخت بناها و ساختمان‌های منحصر به فرد هم ردیف بوده و طرح‌های تزئینی در نزدیکی مستقیم اجزا با کل ساخته می‌شده است، به طوری که این ارتباط حتی در بین عناصر واقعی ساختمان کمتر دیده می‌شود.

بته / جقه

شکل بته از گیاهان الهام گرفته شده است و طراح آن انسان را به یاد گیاه خم شده در باد می‌اندازد. قدیمی‌ترین نمونه نقوش بته در نمونه‌های معماری رومی ستون‌های مسجدی در بلخ (قرن چهارم هجری) دیده شده است. نقش بته انواع گوناگونی دارد که بیش از شصت نوع از آن شناسایی شده است. بته میری (کوچک)، بته ترمه (متوسط)، بته بادامی، بته گل دار، بته محرمت (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۱۹)

محرابی و شمشه

در مساجد هنگام ادای نماز امام جماعت در مکانی قرار می‌گیرد که محراب نامیده می‌شود. این مکان در ساختمان مسجد دارای جایگاه و شکل ویژه ایست که الهام بخش طراحان کاشی و نقوش فرش‌های ایرانی قرار گرفته است. نقش محرابی با تصویر کردن گل‌ها، درخت‌ها و طاقی که به دروازه‌ای ورودی می‌ماند، بهشت موعود را در چشم بیننده مجسم می‌کند (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۱). این نقوش که در بخش وسیعی از هنرهای سنتی شامل کاشی کاری، بافت فرش، تا خاتم کاری به کار گرفته می‌شود، مبتنی بر ترکیب اشکالی مانند مربع، مثلث، لوزی، بیضی، شش گوش، ستاره و هشت گوش است که در مواقعی همراه با نقوش گیاهی به کار می‌رود. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۳۱) در نگارگری به طرح‌هایی که به صورت دایره‌ای و با معنای خورشید به کار رفته‌اند شمشه می‌گویند. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۱)

خط

پس از اسلام آوردن ایرانیان مانند تمام سرزمین‌های اسلامی خط غیر از استفاده در نگارش و کتابت به مرور به عنوان یک نقش هم کارکرد بصری پیدا کرد و در تزئینات بنا به کار گرفته شد. در اواخر قرن چهارم غیر از خط کوفی شش خط دیگر نیز به نام‌های توقیع، رفاع، ریحان، محقق، نسخ و ثلث ابداع شد. خط کوفی بنایی (معلی): بخش مهمی از هنر خطاطی که در بناهای اسلامی به کار رفته خط بنایی است. این خط از خطوط کوفی زاویه دار است



که از ترسیم اشکال هندسی مربع، لوزی، مستطیل و خطوط لوزی و متقاطع حاصل می‌شود. که نمونه آن را در اینیه دوره تیموری صفوی می‌توان دید. از خطوط بنایی جهت تزیین مناره‌ها، کاشی کاری و ایوان‌ها بهره گرفته شده است. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱)

نقوش اسلیمی

اسلیمی کلمه‌ای عربی است و از کلمه اسلام مشتق شده است. اسلیمی پیش از ظهور اسلام هم مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی در دوره اسلامی تحول یافت و طرح‌های اسلیمی در تمام هنرهای ایرانی از قالی و کاشی گرفته تا گچ بری، و حجاری استفاده شد. در خطوط اسلیمی نقوش حیوانات و پرندگان به صورت ساده به کار رفته است. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷)

مقرنس

حجم قندیلی شکل معلق در فضای نیم گنبد زیر ایوان، سرستون، سر مناره‌ها و یکی از زیباترین عناصر تزیینی در معماری اسلامی است. غالباً نقوش روی این احجار را با آجر و کاشی و آینه تزیین می‌کنند. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۳۱).

نقوش ختایی

نقوش ختایی یکی از طرح‌های اساسی در هنرهای تزیینی ایرانی است که در قالی، کاشی و تذهیب کاربرد فراوانی دارد. نقوش ختایی نقوش ظریفی هستند که بر محیط مدور حرکت می‌کنند و روی آن پر از گل و برگ است. این نقوش در معماری و کاشی کاربرد بسیاری دارند. (شیخانی و کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۸) مصالح ساختمانی که در تزیینات بنا در اوج بودند در هر دوره متفاوت بودند.

آجر

مهم‌ترین مصالح ساختمانی در ایران قبل اسلام و بعد از اسلام آجر بود. آجر علاوه بر ساخت بنا در تزیینات نیز نقش مهمی داشت. از اوایل اسلام تا دوره تیموری تزیین بیشتر بناها با آجر کاری بوده است. برج‌های خرقان، گنبد کابوس، مناره مسجد ساوه و ... از آجر جهت تزیین استفاده شده است. (کیانی، ۱۳۷۴: ۲۵)

گچ

از دیگر مصالح ساختمانی که در تمام ادوار در معماری مورد استفاده واقع شده گچ است. گچ ارزان بوده و کاربرد متعددی داشته است. گچ بری برای سطوح داخلی بناها و تزیین محراب ها و زیرگنبدها و ایوان ها نیز به کار رفته است. بسیاری بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی با گچ بری تزیین شده است. در زمان مغول هنر گچبری در زمینه های گلسازی طرح های هندسی و خط به اوج خود رسید. (کارل. جی-دوری، ۱۷۵-۱۷۶) انواع گچ بری از قرن پنجم تا قرن دهم گچ بری رنگی، وصله ای، تو پر و تو خالی، مشبک، مسطح و برجسته مثل اصفهان محراب اولجاتیو زنجان، گنبد سلطانیه است. (کیانی، ۱۳۷۴: ۲۵-۲۶)

کاشی

استفاده از کاشی برای تزیین بناها از دوره سلجوقی آغاز شد و در قرن های متمادی در عهد تیموری و صفوی به اوج خود رسید. کاشی نقش عمده ای در تزیینات بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه های متفاوت: هفت رنگ، یک رنگ، معرق و تلفیق آجر و کاشی در دوره های سلجوقی، ایلخانی و صفوی کاربرد داشته است. تزیین بخش های گوناگون بنا از پوشش گنبد و مناره گرفته تا سطح داخلی و دیوارها و محراب تزیین شده است. کاشی های معرق به بناهای مذهبی و غیرمذهبی ایران دوره اسلامی زیبایی خاصی بخشیده است. مانند: مسجد غیاثیه، مدرسه خرگرد، مسجد گوهرشاد، مسجد کبود و مسجد امام و شیخ لطف الله (کیانی، ۱۳۷۴: ۲۶)

شیشه

بناهای باقی مانده از ادوار مختلف اسلامی نشان می دهد که از شیشه های الوان گوناگون به رنگ های سرخ و آبی و بنفش و سبز برای تأمین روشنایی و تزیین در و پنجره و قاب های گنبد خانه ها و شبستان ها استفاده شده است. از قرن ۶ تا ۱۲ شیشه کاربرد بسیاری داشته است. عمارت عالی قاپو و مقبره شیری بک آقا شاه زند نمونه های آن بوده اند. (کیانی، ۱۳۷۴: ۲۷)

ویژگی های کلی نقوش تزیینی دوره ایلخانان در ایران اسلامی

مغولان در سال ۶۱۶ هـ. ق به ایران هجوم آوردند. حکومت آنان به سلسله ایلخانی در ایران معروف شد. آن ها از همان ابتدا دریافتند که به ایرانیان در اداره امور نیازمندند. از طرفی به علم و فرهنگ و حرف توجه داشتند، به همین



دلیل در این زمان تزئینات بناها نیز همراه دیگر هنرها در این دوره رشد کرد. این پیشرفت در این زمان ویژگی خودش را داشت و این تزئینات صفحه جدیدی در هنر ایران اسلامی به وجود آورد. مغولان افرادی جهان گیر بودند، این خصوصیت را در معماری خویش نیز بروز دادند. ساختن بناهای با گنبد‌های بزرگ و برج‌های بلند از خصوصیت معماری این دوره بود. این فعالیت‌ها از زمان هلاکو آغاز و در دوره جانشینان وی ادامه یافت. در زمان غازان این فعالیت‌ها با خوی مسلمانی وی در آمیخت. وی شنب‌غازان را ساخت، بناهای شنب‌غازان شامل تزئینات زیبایی از جمله مقرنس کاری کتیبه‌های حاشیه زرین و سطوح پوشیده از کاشی‌های فیروزه‌ای، لاجوردی و سیاه با طرح‌های هندسی گوناگون بود. در زمان اولجایتو ساخت شهر سلطانیه با زیبایی‌های تزئینی دیگر به رخ کشیده شد. که مقبره اولجایتو مشرف بر تمام آن بود. این مقبره دارای گنبد نیمکره‌ای با کاشی آبی بود و در هر یک از هشت ضلع مناره منقوش آبی درخشانی دارد دیوارهای آن با آجر طلایی پوشیده شده است و کتیبه‌های بزرگ کوفی با طرح‌های متنوع ترنج‌های بزرگ شبکه ای با کاشی‌های نقاشی شده و نقش‌های گل یاقوتی رنگ کاری شده آبی تند و طلایی روی زمینه روشن طاق‌ها با قاب‌های نقاشی دارای نقش‌های هندسی جالب تزئین شده است. در این زمان خانقاه‌ها به دلیل رشد چشم گیر خود دارای تنوع بسیاری در زمینه نقش‌های تزئینی بودند. کاشی‌های فیروزه ای آجر لعاب دار و شکل‌های هندسی و خطوط کوفی در حاشیه این بناها به وضوح به چشم می‌خورد. (پوپ، ۱۳۶۶: ۱۳۴)

از دیرباز و از قرن سوم در آسیای میانه و خراسان و ایران هنر نقاشی گل و بته و برگ مشجر و خطوط اسلیمی هندسی و نوشته کوفی مزین به گل و برگ رواج تام یافت. این سبک تزئین در دوران مغول و ایلخانان نیز نفوذ و ظهور می‌یابد. (حبیبی، ۲۵۳۵: ۲۱) برای تزئینات بناها از سر عنصر آجر و گچ و کاشی استفاده می‌شد. در زمان مغول و ایلخانان نیز پس از شروع دوباره معماری و تزئینات بناها استفاده از این عناصر از سر گرفته شد. استفاده از آجر و تزئینات بنا پس از سلجوقیان در اوایل دوران ایلخانان نیز رواج داشت. در این زمان دیوارهای ابنیه بدون هیچ گونه پوشش اضافی با همان نماسازی آجری عرضه شد و تزئینات جزئی از معماری و عناصر به کار رفته در آن را تشکیل می‌داد. در آجر ویلبر تفاوت آجر چینی دوران سلجوقی و ایلخانان را این گونه عنوان می‌کند: چینی پر کار و پر نقشه از خصوصیات معماری دوره سلجوقیان بود ولی به طور کلی در آجر چینی دوره مغول دارای یک خصوصیت تازه است که عبارت باشد از استعمال نقش کوچک لعاب دار که در داخل دیوار جای داده می‌شد. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۵۱-۵۲). آجرهای مهرداد در زمان ایلخانان در بسطام و گنبد سلطانیه و مسجد جامع یزد بسیار به



کار برده شده است. شکل‌های هندسی و غیر هندسی بسیار زیبایی روی آجرها نقش می‌کردند و به کار می‌بردند. کار تزئین نماها با آجرهای نقش دار برجسته مه‌ری از دوران ایلخانان سابقه دارد. یکی از شیوه‌های ظریف آجر کاری تزئینی گره با کار گره است که به کمک قطعه‌های مختلف آجرهای بریده و در اندازه‌های گوناگون انجام می‌شده است. طرح‌های گره شامل نقوش هندسی، لوزی، مثلث، مربع، مستطیل و ذوزنقه و ستاره و شکل‌های دیگری باشد. (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۱)

ویلبر اعتقاد دارد استعمال آجرکاری تا آخر قرن هفتم منسوخ شد زیرا تزئینات سفالی و لعابی روی سطوح بزرگ متداول گردید. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۵۱-۵۲) ولی شرآتوامبر و ارنست گروبه به اعتقاد دارند، تزئینات به وسیله آجر در دوران ایلخانان کاملاً متروک نشد، بلکه راه را برای کاربرد سفالینه‌های لعاب دار هموار ساخت. (شرآتو، گروبه، ۱۳۷۶: ۱۵). آجرهای دوران ایلخانی از نظر رنگ نیز دارای تنوع هستند و رنگ‌های زرد کم رنگ، زرد اخرايي، زردمایل به قرمز، قرمز تیز و خاکی در میان آن‌ها دیده می‌شود. (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۱) همچنین در دوران ایلخانان به آجرهای مستطیلی شکل در جرجان همچنین آجر شش ضلع برخوردار می‌کنیم (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۲) مشخص است که کاربرد آجر به عنوان تزئین در دوران ایلخانان در ابتدا همانند دوران سلجوقیان بوده است ولی در ادامه همانند دیگر عناصر تزئین در این دوره منحصر به فرد شد، و دارای طرح‌ها و شکل‌ها و رنگ‌های خاص خود شد. از دیگر عناصر تزئینی گچ بود که در عصر مغولان و ایلخانان جایگاه ویژه‌ای یافت.

یکی از خصوصیات برجسته معماری دوره ایلخانی مهارت فوق العاده در گچ کاری و استفاده زیادی بود که از آن به عنوان مختلف به عمل می‌آمد. نمونه‌های طریق استفاده از گچ در دوره ایلخانان عبارت‌اند از: سفیدکاری نواحی بزرگ، ساختن کتیبه و محراب، تلفیق آجر کاری و گچ کاری که بوسیله رنگ برجسته به نظر می‌رسیدند. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۸۵) پوپ نیز اعتقاد دارد در قرن هشتم بعد از ترمیم‌های ناشی از حمله مغول شاهد گچ بری‌های عظیمی در ساخت بناها هستیم. محراب‌های گچ بری شده زیبا که اجزای آن‌ها نسبت به دوره‌های سلجوقی دقیق‌تر هستند کتیبه نویسی‌های دور محراب‌ها نیز دارای خطی عالی هستند که در میان شکوفه‌ها، برگ‌ها و پیچک‌های قیطانی به زیبایی طراحی شده‌اند. نقوش گل و بته‌های پیچ در پیچ و نیلوفرهای آبی که نقش مورد علاقه قرن هشتم بوده است. خطوط کوفی نیز از نقوش به کار رفته است (پوپ، ۱۳۶۶: ۱۵۶)

ویلبر نیز اعتقاد دارد: «که در تزئینات طرح‌های گچ بری، طرح‌های زینتی شامل طرح‌های هندسی، اشکال گل بته و اسامی مقدس مانند: الله و یا علی می‌باشد. وی می‌گوید این طرح‌ها در زمان سلجوقیان نیز معمول بوده‌اند به



طوری که از بررسی آن‌ها نمی‌توان معلوم کرد که بنا متعلق به دوره سلجوقی بوده است یا مغول». (ویلبر، ۱۳۴۶: ۸۶) نظر ویلبر می‌تواند درست باشد زیرا بخشی از هنرهای تزئینی معماری مربوط به دوره ایلخانی گرفته شده از دوران سلجوقیان است. هنرمندان اسلامی از گچ بری به منظور ارائه طرح‌های مذهبی بهره برده‌اند. و تزیینات محراب‌ها، طاق‌ها و طاقچه‌ها، گنبدها و رواق‌های مساجد و حتی مناره‌ها و سرستون‌ها به کارکردهای گچ بری می‌سپارند و در طرح اندازی و شکل بخشی و زینت مساجد طرح‌های اسلیمی همراه به خطوط کوفی و گل و بته و نیز و سوره‌ها و آیات قرآنی مورد توجه هنرمندان قرار می‌گیرد. مشخص است که طرح‌های هندسی و نقوش گل و بته و خطوط و سوره‌های قرآن همواره زینت بخش مکان‌های مذهبی بخصوص مساجد بوده است. برای تزیینات عمارات و کاخ اشراف نیز از طرح‌های گچ بری شده استفاده می‌شد. گچ بری در دوران مغول به اوج خود رسید و حتی در آثار بعد از این دوره نیز تأثیر گذارد. ساخت محراب‌های گچی کنده کاری شده از خصوصیات بارز این دوره است. حاشیه‌های محراب‌ها دارای کتیبه‌هایی به خط کوفی در زمینه نقوش، گل و بته در متجاوز از بست ساختمان این دوره وجود دارد. کتیبه‌های بناها دارای رنگ‌های مختلف بودند، برای مثال حروف سفید در زمینه سیاه، حروف سفید در زمینه آبی سیر، آبی با حاشیه قرمز، حروف قرمز در زمینه آبی و حروف آبی سیر در زمینه سفید (ویلبر، ۱۳۴۶: ۸۷-۸۸).

در این دوره تمایل به خود بزرگ بینی و نشان دادن آن بسیار در میان مغولان و ایلخانان وجود داشته است و این خصوصیت در معماری و تزیینات که بنای آن‌ها به وفور مشاهده می‌شود. تزیینات بسیار برجسته می‌باشد و بناها عظمت و شکوه بسیاری داشته‌اند. این امر در گفتار ویلبر بسیار مشخص است: استعمال گچ در ساختن برجسته کاری‌های بلند و کنده کاری یکی از فراورده‌های دوران مغول است. در این دوره تمایل به آراستگی مصنوعی تزیینی شدیدی پیدا شد و افراط پرکاری در کاربرد نقوش برجسته و کنده کاری شده گچی به وفور در بناها دیده می‌شود. وی همچنین معتقد است طبیعی است که نقوش گل و بته برای برجسته کاری با گچ بسیار مناسب بود، ولی طرح‌های هندسی نیز در گچ بری‌ها بسیار دیده می‌شود. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۷۸) کیانی نیز معتقد است که کاربردترین عناصر تزیینی شامل: نقوش هندسی، نقوش گیاهی، نقوش حیوانی و انسانی که شامل فرم‌های اساطیری است. همچنین نقش خط و کتیبه (کیانی، ۱۳۷۴: ۹۳-۹۵)

البته در آن‌ها در این دوره تلفیق عناصر تزیینی از جمله ترکیب خطوط و نقوش گیاهی بخصوص در کتیبه‌ها و ترکیب نقوش هندسی و گیاهی و انسانی در آثار دیده می‌شود. رنگ‌های گرم و برجسته، سفید، زرد، قهوه‌ای، سبز،



آبی روشن و آبی سیر، پرتغالی و کرم و طلایی و سیاه در گچ کاری‌ها به کار رفته است. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۹۰). در دوران‌های قبل هم رنگ در گچ کاری به کار رفته است ولی در این دوره به دلیل همان ویژگی تمایل به برجسته کاری و افراط در تزیین و تمایل به دیده شدن تزیینات عظمت بناها، تنوع رنگ‌ها در این دوره بسیار زیبا بوده است.

کاشی کاری

در دوران سلجوقی به صورت کاشی لعاب دار در کتیبه‌ها بناها به کار رفته است. بعد از هجوم مغول که ابنیه سازی متوقف شده بود بازسازی شروع شد و کاشی کاری از همان مرحله اواخر قرن ششم ادامه پیدا کرد. کاشی کاری در مقایسه با گچ بری یک باره جانشین آن شد و این هنر بزرگ‌ترین دستاورد در تزیینات معماری است.

کاشی کاری معرق

استفاده از قطعات کوچک کاشی تراشیده شده به عنوان کاشی معرق از ابتدای قرن ششم در مراغه پدیدار شد. این شیوه کاشی معرق به طور مداوم رشد کرد تا آن که در قرن هشتم به وفور رسید. پوپ می‌گوید: «به کارگیری رنگ‌های هماهنگ در کاشی کاری معرق به وضوح دیده می‌شود. در ابتدا کاشی رنگی عموماً آبی و در یک زمینه متضاد آجر ساده بود. اما بعد از مدتی استفاده از کاشی رنگی به ساختن قسمت‌های رنگی منجر شد». (پوپ، ۱۳۶۶: ۱۶۵-۱۶۸) همچنین ویلبر نیز معتقد است در بناهای این عصر قطعات کوچک کاشی نیلی و سفید نزدیک هم قرار می‌گرفت. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۹۱) کیانی نیز می‌گوید «استفاده از کاشی کاری معرق در ابتدا و در کنار گچ بوده است. قطعات ریز کاشی در کنار گچ بری و اشکال مختلف به ویژه طراح‌های هندسی باعث تحولی در رشد کاشی کاری شده است.» (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۳۳) همین که کاشی کاری کمال حاصل کرد تکنیک‌های کاشی کاری در دو جهت پیشرفت خود یعنی طرح هندسی با اشکال گل و بته مخلوط گردید و رنگ‌های شفاف بیشتری به کار برده شد. مراکز کاشی کاری اصفهان، یزد و کرمان بود (ویلبر، ۱۳۴۶: ۹۱) علاوه بر کاشی معرق که به کاشی کاری گل و بته ای هم معروف است (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۳۳) کاشی کاری طلایی یا زرین فام نیز در این دوره در تزیینات بنا به کار گرفته می‌شد. کیانی توضیح می‌دهد که «توسعه تدریجی کاشی زرین فام و استفاده از آن در معماری به ویژه بناهای مذهبی از اواخر دوره سلجوقیان آغاز شد و در دوره ایلخانی به اوج خود رسید. تصاویر نقش گرفته بر این نوع کاشی بیشتر اشکال هندسی انسانی، حیوانی و گیاهی را در بر می‌گیرد. همچنین



نگارش شیوه‌های متفاوت و موزونی از اشعار فارسی، ضرب المثل‌ها، احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار از دیگر تزییناتی بود که عموماً به دوره ولبه کاشی‌های زرین فام نقش می‌بست». (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

کاشی یک رنگ

کاشی‌هایی که از یک رنگ به وجود می‌آورند در دوران ایلخانان به عنوان تزیین بنا کاربرد داشتند. نمونه‌های به دست آمده ای زیادی از کاشی‌های یک رنگ و زرین فام که برای آرایش کاخ اباقاخان حکمران مغول در تخت سلیمان به دست آمده صحت این ادعا را اثبات می‌کند. (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۳۷) کاشی‌هایی به رنگ سفید و قهوه‌ای و بادمجانی و رنگ زرد طلایی در این دوره دیده می‌شوند. همچنین مایه گرفتن از دو رنگ آبی روشن و سیر در قرن هشتم رواج بیشتری داشته است. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۹۱) محراب‌های کاشی کاری شده در قرن هفتم و هشتم از نظر زیبایی خیره کننده‌اند. (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۴۶) کیانی می‌گوید: «تلفیق آجر و کاشی در آرایش بناهای مذهبی و غیر مذهبی از قرن هفت به بعد توسعه یافت. این امر زمانی رخ داد که هنرمندان کاشی کار در صنعت کاشی کاری با لعاب الوان به مرحله بسیار پیشرفته ای دست یافتند.» این دوره از نظر کاشی کاری دوران درخشانی را آغاز کرد که تأثیر آن در دوره‌های بعد نیز یافت می‌شود و در دوران تیموری و صفویه این امر به خوبی مشهود است. سبک و شیوه معماری تزیین در دوران ایلخانان از سه عامل مؤثر تأثیر پذیرفته است که البته هدف در این پژوهش بررسی آن سه عامل و اثبات ادعاست.

الف) از شیوه تزیین دوران قبل یعنی (سلجوقیان) است. همچنین مغولان پس از ورود به ایران ایجاد حکومت ایلخانی دارای معتقدات خاص بودند. که این اعتقادات در ویژگی‌های تربیتی آن‌ها نفوذ پیدا کرد.

ب) پس عامل دوم تأثیر گذار در شیوه تزیین معماری مغولان، ایلخانان ویژگی‌های مغولی آن‌ها بود. از سویی مغولان در ارتباط سیاسی و اقتصادی با چینیان از دیرباز دارای مراودت فرهنگی نیز بودند و در طی این ارتباط آن‌ها مظاهر تزیینی و هندسی چینیان را وام گرفتند و این تأثیر در تزیینات معماری مغولان و ایلخانان راه یافته و بسیار تأثیر گذار بود.

ج) عامل سوم تأثیر عناصر تزیینی چینی در تزیینات معماری مغولان و ایلخانان است.

تأثیر معماری دوران سلجوقیان در تزیینات دوران مغول و ایلخانان

سبک معماری و شیوه تزیین دوران ایلخانان به صورت مستقیم از سبک آثار ساختمانی دوران سلجوقیان اقتباس شده است. معماری سلجوقی و ایلخانی از حیث مظاهر شدنشان با هم شباهت دارند.

ویلبر می‌گوید: «در دوران سلجوقیان معماری و طراحی‌های تزیینی در مرحله آزمایش بود. در صورتی که در دوران ایلخانان مسئله عمده تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی و تزیینی موجود بود. او معتقد است معماری سلجوقی شکل ابتدایی سبک ایلخانی است و در یک دوره سیصد ساله مسیر منظم تکامل را طی کرده است» (ویلبر، ۱۳۴۶: ۳۳-۳۵). به نظر پژوهشگر ویلبر در این حدود تا حدی تندروری کرده است. زیرا که شیوه تزیین در دوره سلجوقی ویژگی‌های خود را داشته و این دوره از نظر شیوه تزیین یکی از دوره‌های پر رونق و پر جلوه بوده است. این امر را حداقل می‌توان از آثار به جا مانده و شیوه تزیین زیبای این عصر مشاهده کرد که از حوصله این بحث خارج است. ولی شاید بتوان اینگونه گفت که تزیینات بنا در دوره مغولان و ایلخانان نسبت به دوره سلجوقیان پیشرفته تر شده است. حبیبی می‌گوید: «در دوران مغول پس از ساخت و سازهای ناشی از خرابی‌ها و سقوط مدنیت و هنر شاهزادگان مغول و ایلخان با امر آبادانی و عمران و هنر روی آوردند. وی ادامه می‌دهد که چون مغولان پای بند شریعت اسلام نبودند در مسائل هنری و صوری مکتب سلجوقی را پیروی کردند». (حبیبی، ۲۵۳۵: ۲۶) البته که مغولان در ابتدا به دلیل آشنا نبودن با ویژگی‌های تزیینات و بناها از شیوه‌های تزیین دوره‌های قبل تقلید می‌کردند. از جمله آجر کاری‌های زیبایی که از دوران سلجوقیان در بناهای دوره ایلخانی نیز به کار برده می‌شد. ویلبر می‌گوید «استفاده از آجر در تزیینات بنا پس از سلجوقیان در دوران ایلخانان نیز رواج یافت. او تأکید می‌کند که ابتدای دوره مغول همانند دوره سلجوقیان دیوار ... بدون هیچ پوشش اضافی با همان نماسازی آجری عوض می‌شد و تزیینات جزئی از معماری و عناصر به کار رفته در آن را تشکیل می‌داند» (ویلبر، ۱۳۴۶: ۵۱-۵۲) در زمینه گچ بری نیز باید گفت که گچ بری در دوران ایلخانان ادامه دوران سلجوقی است. پوپ می‌گوید: «محراب‌های گچ بری شده زیبایی دوران ایلخانان برگرفته از گچ بری‌های دوران سلجوقی هستند با این تفاوت که اجزای آن نسبت به دوران سلجوقیان دقیق تر هستند». (پوپ، ۱۳۶۶: ۱۵۶) در خصوص کاشی کاری نیز این تأثیر بسیار مشهود اما اندک است زیرا کاشی کاری به صورت زیباکاری و متنوع از دوران ایلخانان بسیار رواج پیدا کرد. کیانی توضیح می‌دهد که توسعه تدریجی کاشی و استفاده از آن در معماری به ویژه بناهای مذهبی از اواخر دوره سلجوقیان آغاز شده بود و در دوره ایلخانان به اوج خود رسید. نقوش به کار گرفته در کاشی کاری‌ها نیز اکثراً نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی را در بر



می‌گیرد. (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۳۳). همچنین در منابع ذکر شده است که بعد از بازسازی پس از هجوم مغول استفاده از کاشی به عنوان عنصر تزئینی از همان مرحله اواخر قرن ششم یعنی دوران سلجوقیان ادامه یافت. (پوپ، ۱۳۶۶: ۹۱) اما باید تأکید کرد درست است که تزئینات دوران ایلخانان در ابتدا بر پایه تزئینات دوران سلجوقی بود اما رفته رفته و در سایه تسلط شخصیت‌های مغولی این تزئینات مقیاس و عظمت تازه‌ای یافته بود. به همین ترتیب که تزئینات بناها در قرن هشتم با ویژگی‌های منحصر به فرد دوران مغول و ایلخانان ادامه پیدا کرده و نمایان شد. در نقش اندازه‌ای تزئینات این دوره باید گفت که نسبت به دوره سلجوقی تفاوت‌هایی دارند. نقش‌های عمده‌ای این عهد عبارت‌اند از: مربع، اریب یا لوزی، طرح تسمه‌ای یا مشبک، طرح چلیبایی (صلیبی شکل) طرح‌های زاویه دار و خط بنایی. (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۴۶) می‌توان به وضوح دید که در اثر ارتباطی خاص سیاسی ایلخانان و دلایل دیگر نقوش ویژه‌ای وارد طرح‌های تزئینی دوران مغول شده است که با دوران سلجوقی و البته دوران ابتدایی مغول متفاوت است.

تأثیر ویژگی‌های مغول در تزئینات معماری ایلخانان در ایران اسلامی

جامع التواریخ یکی از ارزنده‌ترین منابع این دوره در خصوص نوع اقامت و زندگی ابتدایی مغولان و ایلخانان در ایران صحبت کرد و آن را توصیف می‌کند: قوم تاتار مانند هر طایفه بدوی دیگر پایبند اقامت در محلی ثابت نبودند و قرارگاه‌های ایشان منحصر به همان چادرهای ایلپاتی بوده است. طایفه تاتار و اتباع چنگیز خان و سرداران و جانشینان او به هر کجا که قدم می‌گذاشتند، آبادی‌ها را زیر و رو می‌کرد و گاهی نیز عظیم‌ترین بلاد را بدون اغراق با دشت و هامون برابر می‌نمودند ولی این حال چنان که در چین استیلای قومی اتفاق می‌افتد و پس از آنکه دوره فتوحات به انتها رسید و زمان اداره ممالک مفتوحه و لزوم اختیار مراکز برای آن‌ها پیش آمد، مغول نیز خواهی نخواهی محکوم حکم آداب رعایای مغلوبه خود آمد و مثل ایشان به قبول اقامت در پایتخت و تأسیس ادارات و فراهم داشتن وزرا و عمال دیوانی در گرد خود مجبور شدند. در هر یک از مراکز ایلخانان و امرا و وزرای ایشان جهت خود عمارات و ابنیه بنا می‌کردند. (همدانی، ۷۰۴: ۵۷-۵۸) باید گفت که طبق گفته رشیدالدین فضل‌الله مدتی از هجوم مغول تا اقامت دائمی ایشان و ساخت ابنیه و توجه به معماری و سپس تزئینات طول کشید.

مغولان در دوران ورود به ایران قومی چادرنشین بودند و لااقل تا یک نسل پس از مستقر شدن در ایران به این طرز زندگی کردند. این چادرها در سراسر قلمرو مغول با ظرافت بسیار بافته می‌شد. ارغون حاکم خراسان هلاکو را در چادری پذیرایی کرد که از پارچه زرین بافته شده بود و با یک هزار میخ طلا به زمین کوبیده شده بود. همچنین قصر



تابستانی غازان خان در ارجان چادری بود زربافت که صنعت کاران مدت دو سال صرف بافتن آن کردند. این چادرها شامل تالارها و اتاق‌هایی متعدد بودند. این چادرها متعدد و وسیع و مجلل بودند. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۳۹-۴۰) باید گفت که تمایل به خود بزرگ بینی از ساختن بناهایی با گنبد‌های بزرگ و ساختمان‌هایی با برج‌های بلند و تزئینات بسیار برجسته و کنده کاری‌های بسیار و طرح‌های برجسته برای زیباتر جلوه دادن بنا و همچنین ایجاد شکوه و عظمت از خصوصیات مغولی ایلخانان در ایران بود. اینان همان قومی بودند که شاهزادگان‌شان دارای چادرهای زربافت و زیبا و با شکوه بودند. چادرهایی که به گفته پلان کارپن نخستین سفیر واتیکان به دربار مغول این گونه توصیف شده‌اند: «پایه‌های چوبی چادر از برگ طلا پوشیده شده بود، سقف چادر و پوشش درونی آن از پارچه زربافت بغداد و بیرون چادر از پارچه‌های دیگر بود. چادر بسیار زیبایی بر پا شده بود که این چادر به رنگ ارغوانی تند بود. (کارپن، ۱۳۶۳: ۱۰۰-۱۰۱) هیلن براند نیز در خصوص چادرهای شاهزادگان مغولی می‌گوید: «معنایی که به طور طبیعی از چادری صورت بدون و ارزان به ذهن فرد مبادرت می‌شود صحیح نیست. برپایی بعضی از چادرها حدود یک ماه طول می‌کشید و شاید هزاران نفر را در خود جای می‌داد. چنگک‌های بسیاری که به چادرها وصل می‌شد از جنس طلا بود و چادرها دارای غرفه‌های زیبا و مزین بودند». (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۸۷) از گفته‌های مولفان بسیار مشخص است که تمایل به برجسته کاری مصنوعی و تزئینات به زرق و برق که در تزئینات معماری مغول و ایلخانان مشهود است برگرفته از خلق و خوی مغولی و تمایل به زیبایی سازی بسیار است. از دیگر ویژگی‌های تزئینات بنا که در دوران‌های قبل از ایلخانان در تزئینات بنا وجود نداشت و در دوران ایلخانان بسیار رواج داشت. تزئینات داخل و خارج بنا به خصوص گنبد‌ها با استفاده از کاشی بود. اینگونه که حیات آن‌ها از فاصله دور در مقابل نور آفتاب به درخشانی تمام جلوه می‌کرد. عباس اقبال اعتقاد دارد که در میان ابنیه اسلامی بناهای دوران ایلخانان اولین نمونه ای است که در تمام آن کاشی کاری به کار رفته است تا که بنا به زیبایی تمام جلوه کند. این نوع تزئین نیز بر اثر عادت مغول و رسومات ایشان است. چه این قوم در چادرها و یورت‌هایی که جهت خانان خود تهیه می‌دیدند. سعی بلیغ داشتند که دو طرف داخلی و خارجی چادر و خیمه‌ها را به اقسام تزئینات بیارایند و خیمه زرکشی که هنرمندان تبریز برای تقدیم به اباخان ساختند داخل و خارج آن را به اقسام اطلس و حریر و سنجاب آراستند از این قبیل بود. وی می‌گوید: اینان پس از اقامت در شهر در بنای ابنیه نیز همین سلیقه را به کار بردند و به هنرمندان و معماران دستور دادند که امارات و مساجد و مقابر را به همین وضع دلگشا و مفرح بسازند. (اقبال، ۱۹۹۷: ۵۶۵-۵۶۶) همانطور که مشخص است تزئینات بناهای ایلخانان وابستگی کامل با خلق و خوی



آن‌ها در رسوماتشان در تزیینات بسیار زیاد و بزرگ نمایی بناها به شدت نمایان شده است. اما در خصوص رنگ‌های وارد شده از فرهنگ مغولی نیز شواهدی وجود دارد، آجر دو مقبره در مراغه و دو کاروان سرا و محل مقبره غازان رنگ ارغوانی سیر دارد.. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۹۶) در حالی که بارکهاوزن نویسنده کتاب امپراطوری زرد می‌نویسد که نمایندگان نیمی از مردمان روی زمین در برابر چادر ارغوانی رنگ چنگیز گرد آمده بودند. (بارکهاوزن، ۱۳۴۶: ۱۲۱) این گردهمایی شاید بار عامی بوده که چنگیز نهاده بود اما نمود رنگ ارغوانی چادر چنگیز آن قدری بوده است که پس از ورود خانان مغول و ایلخان به ایران در ساخت تزیینات ابنیه تا آن دوره تأثیر نهاده است و رنگ ارغوانی در تزیینات بناهای دوره مغول و ایلخان بسیار تأثیر نهاده است.

تأثیر نقوش تزیینی چینی بر معماری عصر ایلخانی در ایران

جامع التواریخ عنوان می‌کند که از زمان هلاکو به بعد که روابط بین ممالک اسلامی مرکز و مغرب آسیا با چین رو به افزایش رفت، در اثر رفت و آمد به بلاد یکدیگر با هم مخلوط شدند در نتیجه بسیاری از معلومات و هنرهای یکدیگر را آموختند. معماری چینی نیز در ممالک اسلامی تأثیر کرد، مخصوصاً از سبک معماری چینی چیزی که بیشتر میان مسلمین رواج پیدا کرد: یکی شکل گنبدهاست که در مقابر و مساجد کاملاً از مقابر چینی و بودایی تقلید شده است و دیگر استعمال رنگ آبی شفاف در کاشی کاری و پوشاندن گنبدها از کاشی‌های کبود براق مخصوصاً بعضی از بناهایی که از عهد ایلخانان باقی مانده است، بناهای ظریفی که هنوز قسمت‌های عمده آن در مراغه وجود دارد و یکی از آن به مقبره دختر هلاکو شهرت دارد از همه جذاب تر هستند. (همدانی، ۷۰۴ هـ: ۵۹) از سخنان رشید الدین فضل الله همدانی مشخص است که تزیینات معماری چینی بسیار بر شیوه تزیین معماری ایلخانان تأثیر گذاشته است. مارکوپولو در توصیف کاخ قوبیلای قآن در چین (ختا) مقرخان مغول می‌گوید: «عمارت بیش از یک طبقه نیست ولی سقف آن خیلی بلند و گویی سر به آسمان کشیده است. دیوار مرمرینی از چهار طرف عمارت را محصور می‌کند. بر سطوح دیوارهای تالارها و سراها نقاشی‌های زیبایی از تصاویر اژدها و درندگان و پرندگان خوش رنگ و مناظر و میدان‌های جنگ به چشم می‌خورد. قسمت تحتانی سقف‌ها طوری ساخته شده که چیزی جز نقاشی و طلاکاری روی آن دیده نمی‌شود. بام عمارت از آجرهای سفالی سرخ و سبز و آبی و بنفش پوشیده شده است.» (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۱۵۲) به راحتی می‌توان تزیینات افراطی گرایانه این کاخ را ناشی از آداب تزیینات معمولی است مشاهده کرد. حتی نوع ساخت آن که یک طبقه است و سقف آن گویی سر به فلک کشیده است شبیه به چارهای مجلل مغولان است که دارای سقف‌هایی بلند هستند. اما تزیینات نقاشی آن که



تصویرهای حیوانات درنده و اژدها و پرندگان رنگارنگ و مناظر مختلف هستند. دقیقاً همان انواع تزئینی چینی هستند که دوران ایلخانان در تزئینات معماری در ایران وارد شده و بسیاری بر آن تأثیر ماده و تا قرن‌ها در تزئینات معماری این سرزمین باقی ماندند. از دوران مغول طرح‌های هنر خاصی نیز وارد تزئینات معماری ایران شد که تأثیر زیادی از هنر شرق دور داشت. ارنست کونل ذکر می‌کند که «استفاده از مراحل اسفنجی شکل چینی الاصل به نام «تاشی» در تمام خاورمیانه دارای اهمیتی فوق العاده گردید و گسترش یافت و اما در ایران دوره مذکور این طرح تزئینی در معماری به شکل نقاشی‌هایی به شکل توده‌های ابری در غالب سبک تزئینی اسلامی به کار برده شد». (کونل، ۱۳۷۶: ۱۱۸) همچنین هنرهای مخصوص و معروف چینی سونگ و یوان از عناصر چینی فرهنگ مغولان بر هنرهای تزئینی ایلخانان وارد شد. (شراتو، گروه، ۱۳۷۶: ۱). علاوه بر این‌ها به کار بردن شکوفه چینی گل نیلوفر آبی معروف به لوتوس در تزئینات ابنیه اهمیت فوق العاده یافت زیرا این امکان را به وجود می‌آورد تا طرح‌های نحلی شکل تا اندازه‌ای دوباره مورد استفاده قرار گیرند. و از طرفی بوته‌های شکوفه و بعضی اشکال نباتات نیز مورد استقبال قرار گرفت. (کونل، ۱۳۷۶: ۱۱۸) همچنین علاوه بر طرح‌های یاد شده طرح‌هایی از پیکره‌هایی از خاور دور یعنی ققنوس همراه با ابرهای کپه‌ای و مفتولی از گل‌های نیلوفر آبی که از قبل هم ذکر شد و گل‌های صد تومانی نیز از طرح‌های تأثیر گرفته از چینیان است که بناهای متعدد این دوره در تزئینات به خوبی مشاهده می‌شود. (شراتو، گروه، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۴). علاوه بر این تصاویر اژدها، شیر یا گوزن و از این قبیل که معمولاً از نقوش چینی گرفته شده بود بیشتر در دوران ایلخانان در تزئینات مورد علاقه قرار می‌گرفت. این نقوش اکثراً با طرح‌های ایرانی به کار برده می‌شد. (کونل، ۱۳۷۶: ۱۱۹) گاهی اوقات بدون آن که حتی مفهوم سمبولیک آن رعایت شده باشد و یا حتی درک شده باشد در تزئینات به کار برده می‌شد. به نظر می‌رسد آنچه در این جا مطرح بود قرار دادن طرح‌های برجسته و تزئینی حیوانات و گیاهان در کنار هم یا در مقابل هم برای تزئین بناها بود. به نظر می‌رسد که در این دوران هنر تزئینی چینی و نقوش حیوانات افسانه‌ای در معماری پس از مدتی در مفهوم اسلامی تغییر شکل داد و نوعی شکل بومی ایرانی به خود گرفت.

معرفی برخی بناهای مهم دوران ایلخانان و تزئینات آن‌ها

بیشتر بناهای دوره ایلخانی توسط معماران و هنرمندان محلی ساخته شد. و این بناها نشان دهنده توسعه معماری این دوره است.

گنبد سلطانیه



گنبدسلطانیه از باشکوهترین بناهای معماری اسلام است این بنا هشت وجهی بزرگی است به قطر ۳۸ متر که تقریباً استوار ایستاده است. یکی از زیباترین قسمت‌های تزیینی آرایش زیرگنبد است به عرض ۶ متر. در این شاهکار همه اجزا با هم هماهنگی کامل دارند و نشان می‌دهد که معمار یا سازندگان آن علاوه برداشتن تجربه و حمایت در معماری و شهرسازی از نسبت‌های هندسی و محاسبات ریاضی نیز به خوبی آماده بوده و آن‌ها را دقیقاً بکار برده‌اند. (همدانی، ۷۰۴ هـ: ۶۰-۶۱)

کاخ تخت سلیمان

این کاخ تزیینات وافر را در خود جای داده است. سطوح نقش و نگار دار آن که برخی با لعاب‌های سبز رنگ پوشیده شده است. از اره‌های لعاب دار با کاشی‌های ستاره ای و صلیبی، کاشی‌های چند ضلعی و مستطیلی با نقش‌های تجسمی همچون صحنه‌های حماسی و شعرهای غزل گون و نگاره‌های چینی مثل ققنوس و اژدها و نوشته‌هایی طولانی از شاهنامه تزیین داده شده‌اند. این تزیینات برخی ریشه بومی دارند به خصوص کاشی کاری‌ها همچنین تأثیر شدید تزیینات چینی در تزیینات این کاخ باعث بازنگری بنیادین در تاریخ شناسی این تأثیر بر نقاشی ایران شده است. (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۹۵-۴۹۶) هیلن نیز ضمن بیان تزیینات زیبای کاخ به تأثیر عناصر تزیینی چینی در تزیینات معماری دوره ایلخانان اشاره می‌کند.

محراب و مقبره اولجاتیو

بنای برجسته معروف زیبا و واقعیت قابل ستایش دوران ایلخانان که می‌توان این بنا را یکی از مشخصه‌های تزیینی دوران ایلخانان عنوان داد. این محراب یک شاهکار عظیم گچ بری تزیینی است که دارای نقوشی منحصر به فرد است که اغلب هنر شناسان را به تحسین و تمجید وا داشته است. این آرامگاه نمادی از آرایش تزیینات معماری این عصر است. در ابتدای فضای داخلی با کاشی کاری لعابی جلوه یافته در مقیاسی است که تاکنون بی سابقه بوده است. (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۸۵)

همچنین دارای طرح‌های آجرکاری و کاشی کاری بوده است. تزیینات داخلی با پوشش گچ سفید که روی آن دارای کتیبه‌های متعدد و طرح‌های هندسی و گل و بته با رنگ آبی روشن است منقشی شده است. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۲۶). محراب اولجاتیو در انتهای جنوبی نمازخانه واقع شده است. محراب عالی‌ترین درجه استادی و مهارت در گچ



کاری را نشان می‌دهد و از حیث سبک با محراب‌های زمان خود فرق دارد هم از جهت طرح‌ها و اشکال و هم از این جهت که سطح جلوی گچ کاملاً صاف و مانند معمول برجسته نیست. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۱۵۳)

ربع رشیدی

این مکان فرهنگی، پدیده‌ای از هنر و تزئینات معماری دوران ایلخانان به شما می‌آید که البته به دلیل اختلافات سیاسی بعد از مرگ خواجه رشید الدین به شدت تخریب شد. ولی بقایای آن هنوز هم زیبایی‌های تزئینی عصر ایلخانان را به نمایش می‌گذارد. تزئینات کاشی کاری ربع رشیدی شبیه به کاشی‌های مقبره‌غازان است. این قطعات شامل کاشی‌های هشت گوش لعابدار نیلی و آبی می‌باشد. همچنین طرح‌های تسمه‌ای با باریکه‌های سفال نیلی و آبی و قطعات کتیبه که با کندن و تراشیدن به صورت حروف درست شده‌اند وجود دارد. در قرن هشتم کاشی کاری به آستانه تکامل رسیده بود. (ویلبر، ۱۳۴۶: ۲۶) مساجد اشترجان اصفهان و جامع ورامین نیز که در دوران ایلخانان ساخته شده‌اند دارای تزئینات زیبا می‌باشند. از جمله دارای کتیبه‌هایی به خط کوفی و ... می‌باشند که در زمینه لاجوردی حک شده است و دارای محراب‌هایی زیبای گچ بری می‌باشند (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۹-۷۰) تزئینات آن‌ها به خوبی مشخصه تزئینی معماری این عصر را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها تزئینات معماری در هر دوره از تاریخ با تحولاتی رو به رو بوده است و این تحولات بسته به موقعیت سیاسی فرهنگی و اجتماعی هر حکومت متغیر بوده است. باید به این نکته نیز توجه داشت طرح‌ها و نقوش تزئینی بسیار به کندی تغییر پیدا کرده است و البته تزئینات در هر دوره نسبت به دوره قبل به طور کامل از بین نمی‌رفتند بلکه گاهی نقوش‌های تزئینی ادامه تزئینات دوره قبل بودند و گاهی نیز یک نقش تزئینی در یک دوره به نماد تزئینی به اوج خود رسید و به عنوان نماد نقش بندی تزئینی در آن دوره قرار می‌گیرد.

در دوران ایلخانان نیز با توجه به شرایط این دوره تحولاتی در تزئینات معماری به وجود آمد که در قبل و بعد از خود بی نظیر بوده است و دوره تازه‌ای از هنر تزئینی را بر روی ایران گشوده است. در راستای اثبات فرض‌های پژوهشگر باید گفت که نقوش تزئینی در معماری ابنیه ایران دوره اسلامی با توجه به آثار بر جای مانده که تعدادی از آن‌ها نیز ذکر شد اول تحت تأثیر نقوش دوران قبل از خود یعنی سلجوقیان بوده است زیرا که مغولان از ابتدای ورود و تشکیل حکومت ایلخانی مهارتی در معماری و نوع تزئین نداشتند به این دلیل شیوه تزئین دوران سلجوقی را که خود دوره شکوفایی از این هنر است



را ادامه دادند. دوم مغولان پس از تشکیل حکومت در ایران عادات و شیوه تزیین مغولی چادرها و یورتهای خود را در شیوه تزیین معماری شهرنشینی وارد کردند و خواسته یا ناخواسته باعث به وجود آمدن نوع خاصی از تزیین شدند که بزرگنمایی و جلوه بسیار زیادی داشت وجود گنبد‌های عظیم کشتی کاری شده و براق و محراب‌های گچ کاری شده با نقوش بسیار زیاد و متنوع از این جمله‌اند. و سوم از آنجایی که روابط سیاسی نفوذ بسیار در ایجاد روابط فرهنگی و هنری بسیاری بین ایران و چین جا به جا شد که در هر دو کشور بسیار تأثیر گذار بود. در زمینه معماری نیز نقوش تزیینی خاصی را ایرانیان از چینیان وام گرفتند که با توجه به آثار موجود و ذکر پژوهشگر نفوذ رنگ آبی لاجوردی و نقوش حیوانات مختلف از جمله حیوانات افسانه‌ای چینی و گل‌هایی مثل نیلوفر آبی و صد تومانی از این جمله بوده‌اند.

البته نکته شایان ذکر این است که نباید گمان شود که تزیینات معماری ایلخانان به طور کامل وارداتی بوده است و آن‌ها طرح خاصی را در تزیین در نینداختند. بلکه باید گفت آنان این عناصر تزیینی را گاهی تلفیقی به کار برده و در کشوری حکومت می‌کردند که خاصیتش جذب و هضم فرهنگ‌ها و تزیینات گوناگون بود.

منابع

- احمدی شیخانی، مهرداد و کشاورزی، مرجان (۱۳۸۵). هندسه نقوش، تهران: انتشارات فرهنگ صبا و خرده پژوهان.
- اقبال، عباس (۱۹۹۷ م). تاریخ مغول‌ها و اوایل ایام تیموریان، تهران: نشر نامک.
- بارکهاوزن، پواخیم (۱۳۴۶). امپراطوری زرد چنگیزیان و فرزندانش، ترجمه اردشیر نیک پور، تهران: داورپناه.
- پوپ، آرتور، (۱۳۶۶). معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدر افشار، انزلی: انزلی.
- تراشو، امبر، گروه، ارنست (۱۳۷۶). هنر ایلخانی و تیموری، تهران: مولی.
- حیبی، عبدالحی (۲۵۳۵). هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، تهران: بنیاد و فرهنگ ایران.
- فضائیلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). اطلس خط، اصفهان: نشریه انجمن آثار ملی.
- کارپین، پلان (۱۳۶۳). سفرنامه، ترجمه دکتر ولی‌الله شادان، تهران: فرهنگ سرای یساوی.
- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید (۱۳۶۶). رساله طاق و ارج، ترجمه و تحشیه سید علیرضا جذبی، تهران: سروش.
- کونل، ارنست (۱۳۷۶). هنر اسلامی، ترجمه یعقوب اژند، تهران: مولی.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۶). تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۴). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت.
- مارکوپولو (۱۳۵۰). سفرنامه، ترجمه حبیب‌الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ویلبِر، دولاندن (۱۳۸۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، تهران: نشر کتاب.
هال، مری (۱۳۸۴). امپراطوری مغول، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.
همدانی، رشیدالدین فضل الله (سنه ۷۰۴ هجری). جامع التواریخ، ج ۱، بی جا، بی نا.
هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷). معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی، ترجمه دکتر ایرج اعتصام، تهران: چاپ چلنگری.

